

زاتلانی

Partorire



LIDA Italia ✎
Sara Dorteia Johannesen ✉
Sam Saf 📄
4 📄
فارسی / Italiano / It



LIDA Stories

lidastories.net

زاتلانی / Partorire

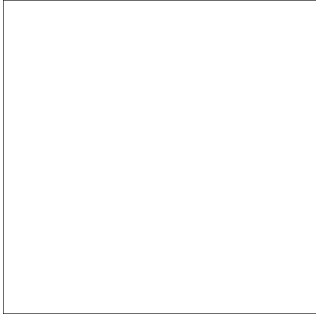
LIDA Italia ✎

Sara Dorteia Johannesen ✉

Sam Saf (fa), Andrea Ciasca Marra (it) 📄



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



سلاهویت، ۲۹ سالشه. اون اولین بچه اش رو در اریتره به دنیا آورد.
اون و خانواده اش در اونجا روزهای سختی را داشتند، بنابراین
تصمیم گرفتند به ایتالیا برن.

...

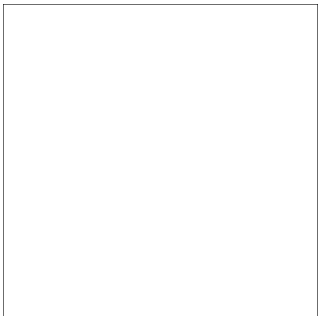
Selamawit ha 29 anni. Ha avuto il suo primo
figlio in Eritrea. La vita lì era dura per lei e la sua
famiglia, così hanno deciso di trasferirsi in Italia.

Entrambe le donne hanno partorito bambini sani. Selamawit ha avuto un altro maschietto, Inga una bambina. I loro mariti erano molto fieri e parlavano di mogli forti e bambini sani a tutti quelli che conoscevano.

...

می گویید.

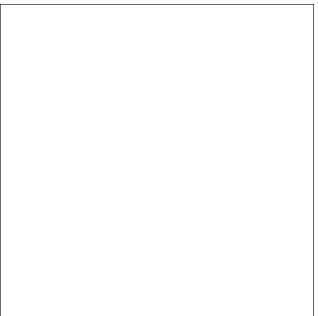
هر دو زن نوزادان سالمی به دنیا آوردند. سلماویت یک پسر دیگر به دنیا آورد، اینگا دختری. آنها بسیار فخرمندی از فرزندان قوی و بچه های سالمشان می کردند و به هر کسی که می شنیدند از همسران یا فرزندان قوی و بچه های سالمشان می گفتند.



Inga è andata via da casa poco prima di compiere 19 anni. Si è trasferita in Norvegia e lì ha avuto il suo primo figlio.

...

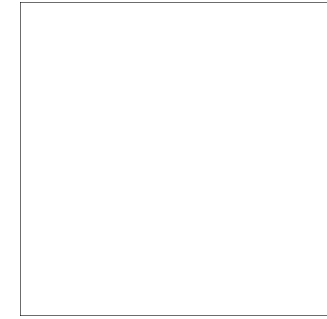
اینکا درست قبل از ۱۹ سالگی خودش را به نروژ منتقل کرد. او به نروژ رفت و آنجا اولین فرزندش را به دنیا آورد.





وقتی سلهویت دومین بچه اش رو بچدار شد، به این فکر کرد که داشتن بچه در یک کشور دیگه چطور خواهد بود.
...

Quando Selamawit è rimasta incinta del suo secondo bambino, si chiedeva come sarebbe stato avere un figlio in un paese diverso.



اینگ و دکترش توافق کردن که اون بیک هم برای مهیدت منظم در دوران بچداریش ملقات کنه. هم بهش توصیه هییی در مورد غذا و استراحت و همینطور اطلاعاتی در مورد حفظ امنیت و سلامت خودش و نوزادش داد.
...

Su consiglio del suo dottore, Inga è entrata in contatto con una ostetrica per effettuare controlli regolari sull'andamento della gravidanza. L'ostetrica le ha dato delle indicazioni sul cibo e sul riposo, e su come mantenere lei stessa e il bambino in buona salute e in forma.

Quando la vicina di casa ha saputo che Inga stava provando ad avere un figlio, le ha detto di andare dal dottore non appena si sarebbe accorta di essere incinta. In quel modo avrebbe potuto accertarsi che sia lei che il bambino stessero bene. Il dottore le ha consigliato di prendere acido folico, una vitamina importante in gravidanza.

...

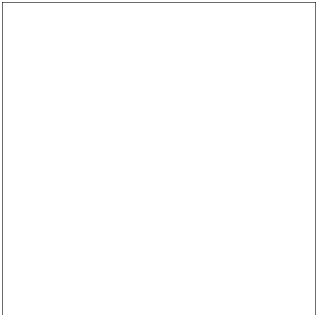
وقتی همسایه خانه ما یاد گرفت که اینجانب قصد بارداری دارم، مرا به دکتر برد. او گفت که من باید چک کنم که من و جنینم خوب باشیم و ویتامین فولیک، یک ماده غذایی برای بارداری بسیار مهم است که گفت که من باید آن را بخورم. دکتر به من گفت که من باید به محض بارداری به پزشک مراجعه کنم. به این ترتیب او می توانست مطمئن شود که جنینم خوب است و نوزاد من و جنینم مشکلی نخواهد داشت. من همسایه های من را به این موضوع مطلع کردم و آنها هم به من گفتند که من باید به محض بارداری به پزشک مراجعه کنم. به این ترتیب او می توانست مطمئن شود که جنینم خوب است و نوزاد من و جنینم مشکلی نخواهد داشت.



Selamawit e Inga provengono da situazioni diverse. Selamawit si sente tranquilla perché aveva già partorito. Inga ha parlato del parto con sua madre.

...

سلماویت و اینجانب از کشورهای مختلف و نژادها متفاوتیم. سلماویت قبلاً زایمان کرده و این موضوع او را آرام کرده است. اینجانب در مورد بارداری با مادر خود صحبت کردم. این موضوع من را آرام کرده است. اینجانب قبلاً زایمان کرده و این موضوع او را آرام کرده است. اینجانب در مورد بارداری با مادر خود صحبت کردم.





هر دو زن شنیده بودند که در اکثر کشورهای اروپایی، زدن بچدار دارای حق مراقبت هی دوران بچداری هستند. به این معنی که اونهی در طول بچداری خود، کمک دریافت میکنند. سلهویت به محض اینکه متوجه شد بچداره از دکتورش وقت ملاقات گرفت. شوهر سلهویت بچ هشین اون رو به دکتور رسوند.

...

Entrambe avevano sentito dire che, nella maggior parte dei paesi europei, le donne incinta hanno diritto all'assistenza prenatale. Questo significava che sarebbero state aiutate durante la gravidanza. Selamawit ha preso appuntamento con il suo dottore non appena si è resa conto di essere incinta. Suo marito l'ha accompagnata in macchina dal dottore.



دکتور چند آزهیش انجام داد و متوجه شد که سلهویت نوعی بچیت داره که بعضی از زنهی بچدار بهش مبتلا میشن. اون بچید غذای سالم میخورد و ورزش میکرد. سلهویت خوشحال بود که زود به دکتور مراجعه کرده، قبل از اینکه اون و نوزادش مریض بشن.

...

Il dottore le ha fatto fare dei test da cui è risultato che aveva un tipo di diabete che alcune donne incinte hanno. Avrebbe dovuto mangiare cibo sano e fare esercizio. Selamawit era contenta di essere andata presto dal dottore, prima che lei e il suo bambino si ammalassero.